



فهرست مطالب

۲ مقدمه
۲ ثواب در توصیيات
۴ ثواب در توصیيات به خاطر حسن عمل



بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

بحث مهم دیگری که در ادامه مطالب ثواب و عقاب که به نحوی مطالب کلامی است ولی آثار فقهی در آن متوقف است، طرح شد این بحث بود که در عبادات قصد قربت شرط است و بدون قصد قربت ثواب قطعاً نیست بلکه ریای در عبادات حرمت هم دارد، اما در توصیلات عرض کردیم بحث یک مقدار پیچیده تر است. دو نکته در باب توصیلات مسلم است و یک نکته در آن محل اختلاف است. نکته اولی که در توصیلات مسلم است این است که اگر با علم یا بدون علم و بدون قصد قربت عمل را انجام داد در این دو صورت اول، دیگر مستحق عقاب نیست؛ چون فرض این است که قصد قربت جزء و شرط نیست؛ و لذا عقاب از او برداشته می شود. تکلیف را عمل کرده در حدی که عقاب بر او نیست. نکته دوم این است که ممکن است یک آثار وضعی (آثار دنیوی) برای ذات عمل وجود داشته باشد که آن آثار هم بر ذات عمل مترتب می شود و جای حرفی نیست؛ اما نکته سومی محل اختلاف این بود که ثواب شامل آن می شود ولو بدون قصد قربت یا نه؟

ثواب در توصیلات

مشهور این است که ثوابی برای او نیست مگر این که قصد قربت بکند. این امر مستند بر اخبار و روایات است. عمده روایات و اخباری است که وارد شده است با چند بیان از جمله: «لَا عَمَلَ إِلَّا بِنِيَّةٍ؛ إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ؛ لِكُلِّ أَمْرٍ مَا نَوَى؛ أَنَا خَيْرُ شَرِيكٍ». خصوصاً این تعبیر، أَنَا خَيْرُ شَرِيكٍ که ممکن است ۷ الی ۸ روایت باشد، می گوید اگر کسی با من دیگری را سهیم کرد من نمی پذیرم. مفادش این می شود که (و اطلاق هم دارد) می گوید من کار خالص را می پذیرم. اطلاق این روایات در این حد که هیچ عمل بدون قصد قربت را حتی در حد رفع عقاب نمی پذیرم، چنین اطلاقی مسلم نیست؛ چراکه معنای این اطلاق انکار توصیلات در عالم می شود و همه تکالیف تعبدی می شوند و تقسیم تکلیف به عبادی و توصلی بی معنا می شود، اما در حد ثواب چه طور؟ که لَا عَمَلَ إِلَّا بِنِيَّةٍ؛ یعنی این که عمل ثواب نمی تواند پیدا کند مگر این که در آن نیت باشد؟ یا اگر شریکی در عمل قرار داد می گوید من این را نمی پذیرم این معنی اش نمی پذیرم از حیث ثواب است؟ این احتمال دوم است. پس این بحث روایات ناظر بر عقاب نیست ناظر بر ثواب است. حالا ناظر بر ثواب که شد اینجا دو احتمال پیدا می شود: یک احتمال این است که این روایات منصرف بر عبادات است؛ در عبادات



می‌گوید لَا عَمَلَ إِلَّا بِنِيَّةٍ یا انا خیر شریک؛ اگر مشترک بود نمی‌پذیرم. ثوابی به او نمی‌دهم این در عبادات است. این یک احتمال است که اگر این احتمال باشد روایات دو انصراف پیدا می‌کند: الف) ناظر بر عقاب نیست فقط ثواب را می‌گوید آن هم در حوزه عبادات می‌گوید نه در توصیلات اگر این باشد می‌توانیم بگوییم اطلاقاتی که وعده ثواب می‌دهد جایش محفوظ است این روایات آن را به هم نمی‌زند؛ اما به نظر می‌آید همان برداشت مشهور، برداشت درستی است و روایات انصراف به عبادات ندارد. حداقل بعضی از آن‌ها انصراف به عبادات ندارد حالا ممکن است بگوییم لَا عَمَلَ إِلَّا بِنِيَّةٍ مثلاً بگوییم ناظر بر عبادات است ولی آن جایی که می‌فرماید: انا خیر شریک، با آن روایات معتبر و متعدد که اگر کاری برای من و دیگری باشد من نمی‌پذیرم آن را بر عبادات حمل نکنیم. انصراف وجهی ندارد این روایات واقعاً اطلاق دارد؛ و اگر اطلاق این‌ها را بخواهیم دست برداریم باید یک مستند روشنی داشته باشیم. به نظر نمی‌آید مستند درست و روشنی باشد و از این رو عرض ما این است که در این روایاتی که گفتیم حداقل بعضی از این روایات اطلاق دارد، این که ثواب دادن من برای جایی است که این عمل پاک باشد دیگری در آن سهیم نباشد. به نظر می‌آید علی‌رغم این که بسیاری از ادله‌ای که در توصیلات داریم که وعده ثواب دارد ذاتش مطلق است ثواب دارد اگر کسی این کار را بکند جزاء می‌دهیم این مطلق است، انسان مسلمانی که این کار را بکند ثواب می‌دهیم ذاتش تقویت اطلاق در آن است؛ اما این روایات مانع از آن اطلاق می‌شود. درواقع این روایت انا خیر من شریک، مقید همه این ادله‌ای است که می‌گوید اگر این کار را بکند ثواب می‌دهیم. ثواب برای جایی است که نیت خالص باشد اگر نیت خالص نباشد ثواب نیست. این که عقاب می‌شود یا نه عبادات و توصیلات فرق دارد. به خاطر ادله‌ای دیگر، ولی این که بخواهد ثواب بدهد متوقف بر این است که عمل با اخلاص انجام بگیرد. این روایاتی است که در باب ۵ و ۸ آمده است. وجهی که ما این‌ها را تخصیص بزنیم به عبادات به نظر نمی‌آید.

(سوال طلبه...) جواب استاد: مشهور می‌گفتند در توصیلات عمل بدون قصد قربت عقاب را برمی‌دارد ولی ثواب قصد قربت می‌خواهد این همان امر مشهور است که ثواب متوقف بر قصد قربت است. علی‌رغم این که ادله‌ای که ثواب را ذکر می‌کند خیلی از موارد اطلاق دارد مقید به قصد قربت نیست اما این روایاتی که در این ابواب آمده می‌آید از حیث ثواب همه آن‌ها را مقید می‌کند ثواب در جایی است که قصد قربت باشد.

(سوال طلبه...) جواب استاد: ما آن جا نظر حر عاملی را گفتیم. ما آن جا نسبتی ندادیم مشهور در ثواب می‌گفتند متوقف بر قصد قربت است. این روایات با اینکه اطلاق دارد مرحوم عاملی در عبادات آورده است؛ که به نظر ما کار ایشان تام نیست بعضی آن‌ها همین‌طور است آیه‌ای که می‌فرماید (کهف/۱۱۰): وَلَا يَشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا آن که ذاتاً



عبادت است رابطه انسان با خدا است لایشرک. نباید شرک بورزد بدون قصد قربت عمل قبول نمی‌شود؛ اما گروهی دیگر از روایات مثل روایت نهم اینجا (لم اقبله الا ما کان لی خالصاً) این ثواب من برای جایی است که عمل خالص باشد. این روایات اطلاق دارد اختصاص به توصیلات ندارد و همه ادله توصیلات را قید می‌زند. ثواب دادن من با قصد قربت می‌شود بدون قصد قربت ثوابی در کار نیست این یک مطلب.

ثواب در توصیلات به خاطر حسن عمل

نکته‌ی دیگری که مهم است این است که سوال دیگری در این روایات این است که آیا این روایات اختصاص دارد به این‌که کار را برای غیر خدا انجام بدهد یعنی همین ریا و خودنمایی یا حتی شامل آن انگیزه‌های انسانی سالم هم می‌شود. چون می‌دانید بشر سه نوع قصد می‌تواند بکند: ۱. من برای فرمان خدا و مولویت مولا این کار را انجام می‌دهم؛ ۲. من این کار را انجام می‌دهم که او بگوید بارک‌الله و مقام و ریاست پیدا بکنم؛ ۳ حالت سوم میانه این دو است برای خدا نیست ولی ریا هم نیست یک خصلت پاک و سالمی دارد از باب این‌که ذاتاً ارزش دارد این کار را انجام می‌دهد آدم ذاتاً اخلاقی است الآن در غیرمسلمانان هم وجود دارد دروغ نمی‌گوید نه از باب این‌که دیگران بگویند خوب است یا نیست ذاتش انسانی و اخلاقی است غیبت نمی‌کند به دیگری تهمت نمی‌زند برای خود کار، لحسنه، انجام می‌دهد برای آن تمایلاتی که دارد این کار را انجام می‌دهد. پس عمل گاهی لله انجام می‌گیرد گاهی لغیر الله انجام می‌گیرد گاهی هم لحسنه انجام می‌گیرد.

(سوال طلبه...) جواب استاد: حالا آن هم می‌شود ولی باید لحسنه باشد و فطرت انسان کمال‌خواه و حق‌جو است. سوال این است این روایاتی که می‌گوییم تقید می‌زند ادله را (من اشرک معی غیری) می‌گوید من اصلاً ثواب به او نمی‌دهم این دارد همه آن روایات را تخصیص می‌زند ثواب برای جایی است که قید شریک نباشد. من اشرک معی غیری مطلق غیر خدا را می‌گوید یا این‌که منصرف است و ناظر بر ریا و امثال این‌ها است؟ این شبیه آن است که در توصلی در همین فقه تربیتی و اصول هم آورده‌ایم چند سال پیش عرض کردیم ما در توصیلات قائل به دو نوع توصل هستیم توصلی نوع اول که مشهور می‌گویند نوع دوم تعلق علم که در مقام اطاعت اخذ نشده است و بدون قصد قربت جایز است اما قصد ریا یعنی خودنمایی به دیگران در آن جا مذمت شده است این میانه، میان عبادات و توصیلات است. این از آن تعریفاتی بود که در اصول نبود و تقسیم انجام شد. من اشرک معی غیری شامل می‌شود حتی آن جایی که



خدا نیست؟ ولی دیگران هم نیست، علاقه شخصی است آن طبع اخلاقی خودش است که انجام می‌دهد لحسنه انجام می‌دهد. ممکن است بگوییم من اشرک معی غیری، آن غیر منصرف به انسان‌های دیگر و ریا و سمعه است.

سوال این است که: آیا این ادله مطلقاً می‌گوید ارزش ندارد؟ چه آنجایی که قصد ریا باشد یا فقط قصد ذاتی آن را دارد، انگیزه اخلاقی است ولی خدا نیست هر دو را می‌گیرد یا فقط اول را این روایات می‌گیرد؟ که اگر روایات صورت اول را بگیرد آنجایی که کار را لحسنه انجام می‌دهد و اطلاقاتی که ثواب دارد آن را می‌گیرد کاری که لحسنه انجام می‌دهد. روایات مطلق است اگر به پدر و مادر احسان بکنی ثواب دارد. اگر قصد ریا بکند دیگر ثواب ندارد. ولی اگر قصد حسن فعلی آن را دارد اطلاقات می‌گوید ثواب دارد آن وقت قائل شدن به این ثواب، نظری می‌شود غیر از نظر مشهور است و نظر میانه‌ای می‌شود. ثواب متوقف بر این است که ریا نباشد؛ اما لازم نیست قصد قربت به معنا خاص باشد نه اگر انگیزه حسن فعلی آن را دارد باز ثواب مترتب می‌شود.

این روایات من اشرک غیری لا اقبله، این روایات بعید نیست انصراف به این صورت داشته باشد اما گروهی دیگری از روایات مطلق است؛ یعنی آن روایاتی که می‌گوید: لا عمل الا بالنیة، یا انما الاعمال بالنیات، لکل امرئ ما نوى... این‌ها اطلاق دارد، نیت به عمل خالص است حالا آن جای خودش.

ممکن است بگوییم انما الاعمال بالنیات و امثال این‌ها اطلاق دارد مگر این‌که کسی راجع به این‌ها همین را بگوید در یکجا داریم نیت خالصه یا در عبادات هم دارد نیات خالصه ولی ممکن است بگوییم چه خالصه باشد چه نباشد بگوییم منصرف به آنجا است و قصد غیر نکرده است. اگر کسی این جرئت را بکند بحثی غیر از قبلی مطرح می‌شود ثواب متوقف به نیت الهی به قصد خاص نیست ثواب متوقف بر این است که قصد قربت الهی داشته باشد یا همین انگیزه‌های خیرخواهانه و اخلاقی داشته باشد. این انگیزه‌های خودنمایی وسیله قرار دادن این امر برای این‌که به مقامی برسد تمتعات دنیا قرار ندهد؛ اما اگر این عمل را به خاطر حسن ذاتی آن انجام می‌دهد، لا اله، به معنای خاص انجام می‌دهد. آن وقت ادله‌ای که می‌گوید مطلقاً ثواب دارد بگوییم این صورت را بگیرد. این یک مقدار جرئت می‌خواهد که من اشرک معی غیری، انصرافش واضح است. ولی اگر کسی بگوید این تعبیرها مقصودشان مقابل آن نیات شرک است کسی را شریک خدا قرار بدهد؛ اما از آنجایی که از حسن ذاتی آن عمل منبعث است و برانگیخته می‌شود این نوع عمل شرک نیست.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين.